

TEJARAT

BARTAR MAGAZINE

تجارت

February 2015
no.185

شماره ۱۸۵ / بهمن ماه ۱۳۹۳ / قیمت ۲۰۰۰ تومان

فولاد مبارکه از رودخانه
کارون تغذیه می کند؟

۱۲ عامل عقب ماندگی
صنعت کدامند

دولت با کمبود ارز خارجی
روبه رو خواهد شد

اقتصاد ما بیشتر سیاسی
است تا سیاستی

حرف های متفاوت محسن رنانی در
جمع فعالان بخش خصوصی اصفهان

توافق در خرداد
به زیان ما است



■ **دبیران و خبرنگاران:**
 اصناف: سپهر حلاجیان / اتناق بازرگانی:
 مجتبی نیک اقبال / هنر: سعید آقایی /
 اقتصاد خانواده: سمیرا ابراهیمی، سعید غفاری

■ **کارشناسان و همکاران:**
 حسین قلع ریز، سپهر حلاجیان،
 دیاکو حسینی، حسین ایمانی جاجرمی، آیدا
 علی اکبری، لیلا شهپازی، کمند چوبینه،
 سیدمهرداد ناجی، سمیه حفیظی

■ **عکس:** محمد رضا شریف
 ■ **تلفن:** ۰۳۱-۳۶۲۵۵۰۷۰
 ■ **نمابر:** ۰۳۱-۳۶۲۸۰۸۸۰
 ■ **آدرس:**
 اصفهان، بلوار وحید، بن بست
 مظاهری، پلاک ۱۸
 ■ **پيامک:** ۳۰۰۰۶۲۵۵

■ **صاحب امتیاز و مدیر مسئول:**
 سید رضا حسینی

■ **سردبیر:** سید مصطفی ناجی
 ■ **چاپ:** رسانه برتر
 ■ **طراحی جلد و صفحه آرایی:** کام اول

۳۷ **برند برتر**
 اصفهان قطب بزرگ تولید باند، گاز و لوازم پزشکی در
 ۳۶ کشور است

۳۸ **نمد مالی در حال منسوخ شدن است**
 ۴۰ اقتصاد هنر در اصفهان ضعیف است



۲۴ **معمای وین و شاه سعودی**

۴۱ **اقتصاد و مردم**
 ۴۲ **جولان اشتغال نامرئی**
 ۴۵ **دوست دارید چقدر درآمد داشته باشید؟**
 ۴۶ **شهرها به استقبال دستفروشی می روند**

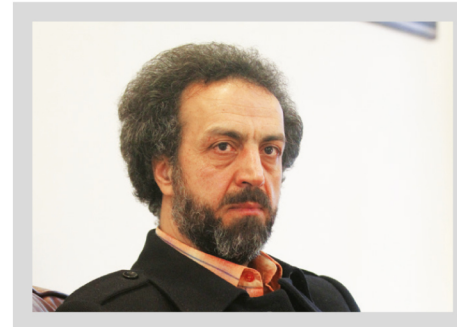
۴۷ **لوکس کاذب**
 ۴۸ **ستاره بودن خرج بسیاری دارد**
 ۵۰ **با ما به مراکز خرید ترکیه سفر کنید**

۵۲ **پورشه نتیجه ۲۰ ماه زندانی آقای مدیر**
 ۵۴ **برندهایی که در سال ۲۰۱۵ از بین می روند**
 ۵۶ **نگاه اقتصادی به دنیای بسکتبال حرفه ای**
 ۵۸ **پرفروش ترین برندهای بازار چند «فی» می خورند؟**
 ۵۹ **دلیل برای خرید یک تبلت ویندوزی**

۶۰ **خودروسازها از خودروی گوگل می ترسند**
 ۶۲ **همیشه پای دلار در میان است**
 ۶۳ **اسلام به فقر زدایی نگاه ویژه ای دارد**



۱۶ **تحلیل اقتصادی**



۱۰ **تئوریک**

۴ **اگر رشد اقتصادی قابل مشاهده بود، محاسبه نمی شد**
 ۶ **اقتصاد ما بیشتر سیاسی است تا سیاستی**
 ۸ **فولاد مبارکه از رودخانه کارون تغذیه می کند؟!**

۹ **گزارش ها و تحلیل ها**
 ۱۴ **همه به درد بورس نمی خورند**
 ۱۵ **دولت با کمبود ارز خارجی روبه رو خواهد شد**
 ۱۶ **انتخاب هشتم، همراه یا منتقد دولت**
 ۱۸ **۴۵۵۰۰۰ ریال رقم آشنایی است**
 ۱۹ **توجهی به صنعت نساجی نمی شود**
 ۲۰ **تصویب ۱۲ مصوبه برای حل مسائل و مشکلات بخش معدن**
 ۲۲ **۱۲ عامل عقب ماندگی صنعت کدامند؟**

عصر ظهور دولت های کوچک و حضور موفق
 غیر لیبرال ها
 ۲۶ **گردشگران خارجی همگی بالای ۵۰ سال هستند**
 ۲۹ **۲۰۱۵: سال بهبود اقتصاد ایران**
 ۳۰

۳۱ **گفتگو**
 ۳۲ **دستگاه CNC نمی تواند صنایع دستی تولید کند**
 ۳۳ **دولت تنها ناجی فرش دستباف است**
 ۹۰ درصد کارخانه های تولیدی موتور سیکلت در بحران
 مالی هستند
 ۳۴



۲۲ **تحلیل اقتصادی**

حرف های متفاوت محسن رنانی در جمع فعالان بخش خصوصی اصفهان

توافق در خرداد به زیان ما است

سید مهرداد ناجی: دکتر محسن رنانی اقتصاددان و عضو هیات علمی گروه اقتصاد دانشگاه اصفهان است. وی تاکنون بیش از ۱۵ عنوان کتاب به طور مستقل یا مشترک تألیف و ترجمه و بیش از یکصد مقاله علمی به چاپ رسانده است. دو کتاب دانشیار دانشگاه اصفهان به عنوان کتاب سال دانشگاهی برگزیده شده است. معروفترین اثر رنانی "بازار یا نابازار؟" است و کتاب مهم دیگر او با نام "چرخه های افول اخلاق و اقتصاد" پس از دو سال انتظار برای مجوز چاپ، در بهار ۱۳۹۰ روانه بازار شد. دیگر کتاب رنانی هم "اقتصاد سیاسی مناقشه اتمی ایران: درآمدی بر عبور تمدن‌ها" است که به طور گسترده در فضای مجازی مورد توجه قرار گرفته است.



خود او در خصوص کتاب "اقتصاد سیاسی و مناقشه اتمی" می گوید: این کتاب در باب تحولات بازار نفت و تأثیر آن بر آینده اقتصادی ایران است که نوشتار آن از سال ۸۴ شروع و در سال ۸۷ به اتمام رسید. این کتاب زمانی تقدیم مقامات ایران شد که او با ما در سال ۲۰۰۸ کاندید می شود و اعلام می کند که آماده مذاکره با ایران است.

رنانی مدتی است با هیچ رسانه ای جز درباره کتاب "اقتصاد سیاسی مناقشه اتمی" مصاحبه نمی کند و هر چه صحبت از او در رسانه ها دیده می شود، سخنرانی در سمینارها و همایش ها با موضوع اقتصادی است. اینبار هم رنانی در سمینار با موضوع تأثیر کاهش قیمت نفت و مذاکرات هسته ای در آینده اقتصاد ایران، در اتاق بازرگانی اصفهان در جمع فعالین بخش خصوصی حاضر شد و ابعاد این مسأله را بررسی کرد. متن زیر سخنرانی دکتر محسن رنانی در این سمینار است.

رنانی می گوید: عبور از نفت و ترک اعتیاد به نفت خلیج فارس، استراتژی اول سیاست خارجی او با ما بود و این مسأله را رئیس جمهور آمریکا در سال ۲۰۰۷ اعلام کرد. او با ما همچنین اعلام کرد که به دنبال حمله و مداخله نظامی نیست و اصلی ترین سیاستش در مورد خلیج فارس بی نیازی غرب و به ویژه آمریکا به یک قطره نفت و وارداتی تا سال ۲۰۲۰ است.

دانشیار دانشگاه علوم پزشکی اصفهان اشاره به کتاب "اقتصاد سیاسی مناقشه اتمی" می کند و می گوید: در این کتاب تحلیل کردم که چرا غرب باید کاری که او با ما کرده را انجام دهد؟ و چرا به نفع غرب و آمریکا است که اعتیادشان را به نفت خلیج فارس کم کنند.

اصلی ترین هدف آمریکا برای حمله به عراق ناامن کردن منطقه نفتی خلیج فارس بود



رنانی معتقد است: اصلی ترین هدف آمریکا برای حمله به عراق ناامن کردن منطقه نفتی خلیج فارس بود و برای این کار موضوع بمب اتم بهانه خوبی بود تا آمریکایی ها به عراق حمله کنند، بعید بود که سبیا از نبود بمب اتم در عراق اطلاع نداشته باشد. به احتمال زیاد این سناریویی بود که بگویند ما برای بمب اتم به عراق حمله می کنیم. با حمله آمریکا به عراق شوک قیمتی آغاز شد، قیمت نفت از ۲۳ دلار در سال ۲۰۰۳ ظرف دو سال به ۵۰ دلار رسید. این هدف آمریکا است، قیمت نفت باید بالا برود و ظرف ۱۰ سال قیمت به حدود ۱۰۰ دلار برسد و بین ۷ تا ۱۰ سال با این قیمت باقی بماند. بنابراین به عراق باید حمله شود، قیمت نفت افزایش یابد، صدام سقوط کند، همه منتظر باشند که نفت به بازار بیاید و قیمت ها کاهش یابد و در این میان یک مناقشه ای مثل مناقشه اتمی ایران داغ شود تا

”

به عراق باید حمله شود، قیمت نفت افزایش یابد، صدام سقوط کند، همه منتظر باشند که نفت به بازار بیاید و قیمت‌ها کاهش یابد و در این میان یک مناقشه‌ای مثل مناقشه اتمی ایران داغ شود تا همیشه این منطقه بحرانی باشد و هرگاه قیمت خواست‌پایین می‌باشد و هرگاه قیمت خواست‌پایین می‌باشد

رئانی می‌افزاید: عربستان پایین‌ترین هزینه تولید نفت را در دنیا با هر بشکه نفت ۸ دلار دارد و بالاترین هزینه تولید نفت در دریای شمال یا ۳۵ دلار است. آمریکا گفته تا سال ۲۰۲۰ نفت وارد نمی‌کند و به احتمال زیاد تا ۲۰۱۸ این موضوع محقق می‌شود. آمریکا بیست میلیون بشکه نفت مصرف دارد. تا چند سال گذشته نصف آن را وارد می‌کرد. و در دو و سه سال اخیر از ۱۲ میلیون بشکه به ۸ میلیون بشکه رسیده و از این بعد گفته سالی یک میلیون بشکه واردات روزانه نفت را کم می‌کند.

در آغاز دوره سقوط بزرگ قیمت نفت هستیم

رئانی معتقد است: ما در آغاز دوره سقوط قیمت نفت هستیم، البته اگر دعش کاری کند که در منطقه یکسری از منابع نفتی نامن شود قیمت بالا می‌رود و این خارج از تحولات سیاسی پیشبینی نشده است. اگر طوفان در سواحل آمریکا بیاید تعدادی از پالایشگاه‌ها و منابع نفتی را ویران می‌کند و قیمت نفت بالا می‌رود. اگر دو پالایشگاه بزرگ اعصاب کند قیمت نفت بالا می‌رود، اما این‌ها افزایش‌های مقطعی است و بلند مدت نیست. اینکه می‌گویند هدف عربستان از پایین آوردن قیمت نفت ضربه زدن به سوریه است شاید یکی از دلایل این باشد، اما دلیل مهم عربستان مقابله با نفت "اشل" است. بنابراین ما در آغاز دوره سقوط بزرگ نفتی هستیم. ولی ۱۰۰ دلار اگر بشود ۶۰ دلار سقوط بزرگ نیست، ولی ۶۰ دلار بشود ۵۰ دلار سقوط بزرگ است، چون در این حالت ما به قیمت‌های نهایی نزدیک می‌شویم.

عضو هیات علمی گروه اقتصاد دانشگاه اصفهان ادامه می‌دهد: دوره سقوط بزرگ قیمت نفت، یک دوره طلایی برای اقتصاد ایران است که در حال آغاز شدن است. دوره ای که دولت باید در برابر بخش خصوصی زانو بزند و بخواهد که کمک کنند(البته این دوره بدی برای نظام سیاسی و دولت است). ممکن است فقر مفرطی ایجاد کند ولی اگر نظام تدبیر و بخش خصوصی حواسشان باشد نقطه عطف طلایی است و در واقع تهدیدی است که می‌تواند به فرصت تبدیل شود. وقتی است که دولت دستش بالا است ولی بخش خصوصی متأسفانه آمادگی حمایت فکری از دولت را ندارد و کاری نکرده است. بخش خصوصی نشسته است تا دولت برای او برنامه‌ریزی کند و خود بسته‌های ارزی و توسعه صنفی ارائه نکرده است. بخش خصوصی مقصر است چون قدرت اقتصادی دارد ولی هیچ وقت اعتراض نکرده است. الان زمان آغاز سقوط درآمدهای نفتی است و بخش خصوصی باید خودش را نشان دهد. باید برای آینده فکر کند و منتظر دولت نماند، باید بسته سیاسی به دولت پیشنهاد دهد.

پولی و مالی و ایجاد پیوندهای تجاری و تأسیس صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی، آمدند و اقتصاد جهان را مدیریت کردند. بعد از آن سال مهترین بحران اقتصادی که غرب گرفتار آن شد، بحران اقتصادی در سال ۲۰۰۸ بود که همزمان با آمدن اوپاما اتفاق افتاد. من معتقدم نه تنها این بحران مشکلات زیادی را برای آمریکا ایجاد نکرد، بلکه آمریکا از این بحران استقبال کرد چون زنجیره بانک‌ها ورشکست شدند تا بنگاه‌های ضعیف و مؤسسات ضعیف حذف شوند. بحران سوم بحران انقلاب‌های کمونیستی بود که چالش بزرگی برای تمدن غرب محسوب می‌شد و کل تمدن غرب را زیر سؤال برده بود که بخشی از این بحران با درایت غربی‌ها و بخشی با خطاهای کمونیست‌ها حل شد.

غرب بحران شوک‌های نفتی را نتوانست مدیریت کند

بحران چهارم، شوک‌های نفتی بود که اقتصاد غرب را بر هم می‌ریخت و غرب در برابر این بحران نتوانست مدیریت کند. دکتر رئانی در بخشی از سخنرانی خود به بیان شوک‌های نفتی که اقتصاد غرب را تحت تأثیر خود قرار داد می‌پردازد. او معتقد است: جنگ عراق و اسرائیل اولین و انقلاب ایران دومین شوک نفتی پیشروی غرب بود. شوک نفتی تمام برنامه‌های صنایع نفتی را به هم می‌ریخت و باید شوک‌های نفتی مهار می‌شد.

عضو هیات علمی گروه اقتصاد دانشگاه اصفهان ادامه می‌دهد: مطالعات نشان می‌دهد که اگر روند تقاضا و عرضه نفت همین‌طور که در دهه ۹۰ میلادی رشد کرده ادامه یابد در فاصله ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۵ به نقطه صد به صد می‌رسد که در این حالت تقاضای نفت از عرضه نفت بالاتر می‌رود و بنابراین وارد یک دوره قیمت‌صعودی نفت می‌شویم که نفت می‌تواند به چند صد دلار برسد و اگر این‌طور شود خسارت زیادی برای غرب به دنبال خواهد داشت. پس غرب به دنبال این است که نگذارد این اتفاق بیفتد و در این راستا باید مصرف نفت را کم کند و یا نفت تولید کند و از همه مهم‌تر اینکه سیستم را کارآمد کند تا مصرف نفت پایین بیاید و انرژی‌های نو را جایگزین نفت کند، اما این جایگزینی ۱۰۰ سال طول می‌کشد. از طرفی دنیا یک بیماری را از قرن بیستم با خود به قرن بیست و یکم آورده و آن بیماری گرمایش زمین است که اصل آن را هم خود غربی‌ها طراحی کردند. اشکال اینجاست که اگر گرمای زمین به خاطر آلودگی ادامه پیدا کند تا سال ۲۰۵۰ آب قیانوس‌ها و دریاها بالا می‌آید و بیشترین خسارات را خود غرب می‌بیند. ۵۰ درصد صنایع غربی در حاشیه دریاها و اقیانوس‌ها است. یک متر که آب بالا بیاید صد کیلومتر از سواحل غرب زیر آب می‌رود (یعنی نصف ثروت غرب زیر آب می‌رود).

همیشه این منطقه بحرانی باشد و هرگاه قیمت خواست‌پایین بیاید یک قطعنامه‌ای علیه ایران صادر شود تا فضا آشفته و مشروط بماند و قیمت نفت پایین نیاید.

عضو هیات علمی گروه اقتصاد دانشگاه اصفهان می‌گوید: قیمت نفت تأثیرپذیری زیادی از پارامترهای سیاسی دارد، از طرفی تحولات منطقه ای خلیج فارس خیلی در قیمت نفت تأثیرگذار است چون سهم تولیدات نفتی در این منطقه بسیار بالا است، بنابراین یک مناقشه‌ای مثل مناقشه اتمی ایران می‌تواند خیلی آرام و بی‌هزینه به آمریکا کمک کند که از کاهش قیمت نفت جلوگیری کند. روسیه و آمریکا از این افزایش قیمت بیشترین منفعت را بردند، روسیه به دلیل اینکه بالاترین تولید نفت جهانی را دارد و آمریکا هم از این بابت که می‌خواست الگوی انرژی جهانی را تغییر دهد.

اما اینکه چرا آمریکا می‌خواست الگوی جهانی انرژی را تغییر دهد، سؤالی است که دکتر رئانی آن را این چنین پاسخ می‌دهد. او می‌گوید: هر تحولی در نظام انرژی جهانی بخواهد رخ دهد آمریکا باید شروع کننده آن باشد، اگر آمریکا شروع کرد طرف مدت چند سال تمام دنیا مجبور به تبعیت می‌شوند. چون اقتصاد آمریکا به قدری بزرگ است که با تغییر در الگوهای اقتصادی این کشور، دنیا باید از آن تبعیت کند.

چهار بحرانی که غرب در قرن بیستم با آن مواجه شد

این اقتصاددان سرشناس اصفهانی همچنین معتقد است که شعار اوپاما مبنی بر بی‌نیازی آمریکا و غرب به واردات نفت منطقه خلیج فارس دو سال زودتر و در سال ۲۰۱۸ محقق می‌شود. محسن رئانی در این باره می‌افزاید: غرب در قرن بیستم به چهار بحران گرفتار شد ولی نتوانست با درایت از سه بحران عبور کند.

اولین بحران، جنگ جهانی (دو جنگ جهانی در غرب) بود که می‌توانست به ویرانی کامل بینجامد، ولی بعد از جنگ با تشکیل سازمان ملل شرایطی فراهم شد که دنیا دیگر به سمت جنگ‌های جهانی نرود و تا به حال این مسئله خوب مدیریت شده است.

بحران دوم، بحران‌های اقتصادی بود که برای اولین بار در تاریخ جهان، سال ۱۹۲۹ در زمینه بورس‌های آمریکایی و غربی اتفاق افتاد. به دنبال این بحران ظرف دو ماه چهار هزار نفر از سهامداران، مدیران بزرگ به خاطر

ورشکستگی‌های بزرگی که ایجاد کردند. اما بعدها با توافق‌نامه





اتاق بازرگانی، صنایع، معادن کشاورزی

ISFAHAN CHAMBER OF COMMERCE INDUSTRIES & MINES & AGRICULTURE

جایی که تهدید است. داعش باید بماند، چون یک عامل بحران هم باید برای روز مبادا باشد. داعش مهار خواهد شد تا وقتی که یک تهدید بزرگ بین المللی نباشد. فکر نکنید داعش تا یک سال آینده حذف خواهد شد، بلکه داعش محدود خواهد شد. حضور داعش کمک خواهد کرد تا به نحوی منابع نفتی ریسک پذیر باشند و قیمت سقوط نکند. بنابراین تا سال ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۰ همچنان نیاز به یک عامل بحران در منطقه عربی مرکز تولید نفت وجود دارد و داعش عامل خوبی است برای اینکه حرف آنها زمین نخورد، بنابراین داعش مهار خواهد شد و نابود نمی شود. در حال حاضر داستان این است که ایران و غرب هر دو تمایل به مصالحه دارد.

کاهش قیمت نفت قدرت چانه‌زنی در مذاکرات بعدی را از مایه‌گیری/ توافق در خرداد به‌زیان ما است

وی ادامه می‌دهد: هر چه قدر از این به بعد مذاکرات طول بکشد به زیان ما خواهد بود. کاهش قیمت نفت باعث می‌شود ما در مذاکرات بعدی قدرت چانه‌زنی مان را از دست بدهیم. زمانی با قیمت نفت برای واردات دارو و کنگاله و غیره کم می‌آوردیم و حالا با قیمت ۵۰ دلار و ۶۰ دلار معلوم نیست چه می‌شود. بنابراین مجبوریم با شدت بیشتری طالب مذاکرات باشیم. هر چه از این دوره بگذریم و پایین آمدن قیمت نفت و وضعیت اقتصادی ما آشکار شود دست ما تهی تر می‌شود. هر چه زودتر در مذاکرات به توافق برسیم به نفع ما

دولت خارج است، دولت‌های مصر و لیبی آماده برای تبدیل شدن به سوریه هستند. در واقع یک نوار از شمال آفریقا تا خاورمیانه از دولت‌های ورشکسته پر شده است و اگر چند دولت باثبات مثل ایران و عربستان در منطقه نباشند منطقه دچار فروپاشی عظیمی می‌شود و جنگ‌های منطقه‌ای کل منطقه را به زیر آتش می‌برد. پس آمریکا و غرب چون هنوز به نفت خاورمیانه نیاز دارند و واردات نفت آنها به صفر نرسیده به دنبال حفظ ثبات منطقه هستند، بنابراین ثبات ایران باید حفظ شود و ایران نباید به یک دولت ورشکسته تبدیل شود. ایران یک دولت بزرگ است و در طول تاریخ هم نقش بسیاری داشته است. پس فضایی ایجاد شده که استراتژی غرب برای حفظ ثبات ایران است.

مصالحه با ایران یک دست‌آورد بزرگ خارجی برای اوباما است

رنانی عامل دیگر را نقطه ضعف اوباما در آمریکا می‌داند و عنوان می‌کند: رئیس‌جمهور آمریکا دست‌آورد خارجی خیلی ارزشمندی در این سال‌ها نداشته است و می‌خواهد در این دو سال آخر دست‌آورد خارجی قوی داشته باشد تا در انتخابات بعدی پیروز باشد و مصالحه با ایران یک دست‌آورد بزرگ است. در عین حال هم نمی‌خواهد این کار سریع اتفاق بیفتد آنها می‌خواهند مذاکره و مصالحه کنند ولی نه به این سرعت، البته بخشی از آن هم بستگی به داعش دارد. غرب قطعاً با داعش برخورد می‌کند تا

انرژی اتمی هیچ مشکلی از اقتصاد ما باز نمی‌کند

رنانی در میان سخنانش باز هم به کتاب "اقتصاد سیاسی و مناقشه اتمی" اشاره می‌کند و می‌گوید: هم‌اکنون از زمان کتابی که نوشتم ۹ سال می‌گذرد و ۷ سال است که آن را تقدیم مقامات کرده‌ام.

وی ادامه می‌دهد: در هیچ کشوری ما با تک صنعت نمی‌توانیم رشد کنیم. انرژی اتمی مثل یک ساختمان ۱۰ طبقه‌ای است که میان یک روستا بسازیم، در این صورت کاری نمی‌توانیم بکنیم و باید کل طبقات را آرام آرام بالا بیاوریم کل صنایع، کل دانش و ارتباطات را باید با هم در نظر بگیریم.

چه عواملی غرب به ویژه آمریکا را وادار به مذاکره با ایران کرده است؟

دکتر رنایی عواملی که غرب به ویژه آمریکا را وادار کرده است تا بخواهند با ایران مذاکره کنند این چنین برشمرد. او می‌گوید: مسأله اول این است که در چند سال اخیر برخی از تحولات خاورمیانه منجر به مجموعه‌ای از دولت‌های ورشکسته شده است.

دولت‌هایی که در تأمین امنیت که اولین وظیفه از ۶ وظیفه حکومت‌ها است ناتوانند. بخش شمالی پاکستان عملاً از دست دولت پاکستان خارج شده است و در کشورهای عراق و افغانستان عملاً بیش از ۵۰ درصد کشور از دست

”

جنگ عراق و اسرائیل اولین و انقلاب ایران دومین شوک نفتی پیشروی غرب بود. شوک نفتی تمام برنامه‌های صنایع نفتی را به هم می‌ریخت و باید شوک‌های نفتی مهار می‌شد.



است. ممکن است برای آمریکا و اوپاها هم اینطور باشد، چون بعد از تعطیلات هر دو مجلس در اختیار جمهوری خواهها هستند و اگر آنها قانونی تصویب کنند که دست و پای رئیس جمهور آمریکا را ببندند این مذاکره سخت می شود. به نظر می رسد به نفع هر دو کشور است که تا قبل از عید به یک توافق نهایی برسند. در هر صورت توافق در خرداد بسیار به زیان ما است و ما حالا در یک نقطه ضعف شدید قرار گرفتیم برای اینکه پشتیبانی نفت را از دست دادیم. البته تنها سود تعویق مذاکرات در این است که ممکن است مخالفان مذاکرات را تا حدودی راضی کند، ببینند اقتصاد کشور شرایط خوبی ندارد و رضایت بدهند.

خطاهای اسراتژیک دولت یازدهم در ارتباط با مذاکرات اقتصادی ایران



دکتر محسن رنانی طی سخنرانی خود خطاهای اسراتژیک دولت یازدهم در ارتباط با مذاکرات و اقتصاد ایران را هم مورد نقد و بررسی قرار می دهد.

او معتقد است: دولت یازدهم وزن زیادی برای مذاکرات ایجاد کرده است و حالا دولت مذاکرات را دائماً به عنوان مسأله اصلی کشور عنوان می کند و این موضوع به جامعه هم منتقل شده است. همه فکر می کنند اگر توافق اتفاق بیفتد همه چیز حل می شود. پس دولت و بخش خصوصی سرنوشت اقتصاد را به مذاکرات گره زده اند و این یکی از مهمترین خطاهای اسراتژیک دولت یازدهم است. خیلی از مشکلات کشور ربطی به مذاکرات ندارد در صورتی که هزار و یک مسأله دیگر هم داریم که مهم است و اگر حل نشود اقتصاد زمین گیر است. وضعیت به گونه ای است که همه مسائلی که وزن آنها کمتر از مذاکرات نیست در پرده ابهام قرار گرفته و روی آن سرپوش گذاشته شده است.

چند پارگی قدرت سیاسی در داخل اقتصاد را زمین گیر کرده است



رنانی می گوید: شکاف عظیمی و چند پارگی قدرت سیاسی در داخل اقتصاد ما را زمین گیر کرده است ولی کسی راجع به آنها حرف نمی زند. پاره های قدرت در دست گروه های نامتعارف است و اصطلاحاً می گوئیم تابع هدف یگانه ای نیست و رتبه بندی اهداف ملی یکی نیست. یک نظام سیاسی باید در مورد سه اولویت اول ملی توافق جدی داشته باشد، اما اجماعی فراگیر در مورد سه مسأله ملی ما وجود ندارد و این در جامعه هم دیده نمی شود. نمی دانیم مسأله اول تهاجم فرهنگی است؟ بیکاری است؟ انرژی اتمی است؟ نرخ ارز است؟ نمی دانیم مسأله اولمان چیست و این اشکال است. عضو هیات علمی گروه اقتصاد دانشگاه اصفهان ادامه می دهد:

با اهمیت دادن زیاد به سرنوشت مذاکرات، سرنوشت دولت یازدهم به سرنوشت مذاکرات گره خورده است. یعنی اگر توافقی صورت نگیرد و در مذاکرات شکست بخوریم در کل دولت یازدهم شکست خورده است. به طور کلی مردم موفقیت دولت یازدهم را یا یک شاخص بررسی می کنند و آن هم موفقیت در مذاکرات است و اگر شکست بخورد به معنای آن است که در حوزه اقتصادی و سیاسی هم شکست می خورد و این هدف گذاری گروه های مخالف است که این برداشت را از دولت یازدهم دارند. هدف گیری گروه های مخالف این است که اگر نشان دهند دولت در مذاکرات اتمی ناتوان است و مردم باور کنند این دولت کلاً ناتوان است.

امکان عقب گرد در مذاکرات هسته ای را نداریم



رنانی می افزاید: ما در مذاکرات هسته ای وارد یک لوله یک طرفه شده ایم و امکان عقب گرد نداریم و فقط باید برویم. تنها کاری که می توانیم بکنیم این است که در رفتن مان آهسته آهسته قدم برداریم اما امکان برگشت نداریم. یعنی اگر ما ۶ ماه دیگر هم به توافق نرسیم، نمی توانیم برگردیم عقب و دوباره مذاکرات ۶ ماه دیگر تمدید می شود از سوی دیگر سرنوشت مذاکرات بستگی به قیمت نفت، داعش، تحولات سوریه و تحولات سیاسی داخل ایران دارد.

وی عنوان می کند: فرض کنید ۶ ماه دیگر توافق ها صورت بگیرد چه می شود؟ هیچ اتفاقی نخواهد افتاد. قیمت ارز برای مدت یک ماه تا ۵۰۰ تومان

پایین می آید و دقیقاً همان تحولی رخ می دهد که در خرداد ۹۲ رخ داد. همه فکر می کردند روحانی اگر بیاید خلاصیم، اما از اواخر پاییز سال گذشته رکود به صنعت تحمیل شد، در حالیکه ما انتظار رونق داشتیم. به عقیده من تحول آمدن روحانی خیلی مهمتر از انرژی اتمی است.

بخش خصوصی باید جدایی از مذاکرات اسراتژیک خود را داشته باشد



رنانی با طرح این سؤال که چرا بخش خصوصی تمام زندگی اش را به مذاکرات گره زده است؟ ادامه می دهد: مذاکرات چیزی را عوض نمی کند و بخش خصوصی باید جدایی از مذاکرات اسراتژیک خود را داشته باشد. حتی اگر ما توافق هم بکنیم ارز بالا می رود. اصلی ترین مسأله در توافق این است که برخی تحریم ها برداشته می شود.

وی می گوید: ما ۲۸ تحریم داریم، تحریم هایی که سازمان ملل انجام داده و تحریم هایی که توسط رئیس جمهور آمریکا در نظر گرفته شده است. از این تعداد ۷ مورد با توافق نامه حل می شود و مابقی تحریم ها پیشینه تاریخی دارند که حل شدن آنها زمان بر است. تحریم هایی که رئیس جمهور آمریکا وضع کرده به دستور خود او می تواند لغو شود ولی تحریم های سازمان ملل نیاز به بررسی در ایران دارد و پروسه مشخصی را باید طی کند. بخشی از تحریم ها به انرژی هسته ای ارتباط دارد و بخشی به آن ربطی ندارد و مواردی مانند فساد، پولشویی، تروریسم، حقوق بشر و غیره در آن دخیل هستند.

”

دوره سقوط بزرگ قیمت نفت، یک دوره طلایی برای اقتصاد ایران است که در حال آغاز شدن است. دوره ای که دولت باید در برابر بخش خصوصی زانو بزند و بخواهد که کمک کنند